

صراط



این کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه را و مؤمنانه را دارند انجام می‌دهند، واقعا دارند حسنه‌ای را انجام می‌دهند. این یک شعار بزرگ است، لاَ تَجْلُوا شِعَائِرَ اللَّهِ، این بلاشک جزو شِعائرالله است. جا دارد امثال بنده که محرومیم از این جور حرک‌ها عرض بکنیم که «یا لیتنا کثا معکم فنفضوز فوزا عظیما».

همان‌طور که عرض کردیم، این حرکت، حرکت عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد قلبی و باورهای راستین،

اربعین حسینی

نمایشی از حرکت عقلانی وحدت‌گرا



تحلیل

دکتر حسین علی رمضانی*

کل هستی دایر مدار بر وحدت می‌باشد. وحدت جوهره کون و مکان بوده و همه اجزای عالم به دنبال ثقل عظیم هستی در تلاطم و حرکت هستند. هیچ ذره‌ای از ذرات عالم بی جهت و بی‌هدف خلق نشده است. حرکت و تحول نشان از کثرت در عالم دارد، امسا این امر برآمده از ذات و خلق هستی نیست. هدف در هستی وصل به «او» شدن و جهت نیز به سوی «او» حرکت کردن است. کل هستی به واسطه حرارت عشق، موحد بوده اما به واسطه عقل مادی و طبیعت‌زده که به دنبال کثرت در هستی است، مشرک و کافر می‌باشد. عشق، عامل وحدت و عقل مادی عامل کثرت است. عشق، معنا و ذات عالم بوده و عقل ابزار، ظرف و عاملی برای تشخیص اجزای هستی است. شاید هم برای حفظ شئون عقل در نزد علما، باید به طریقی دیگر به تقسیم‌بندی و معنادهی آن اقدام کرد.

■ ■ ■

■ **اولین نتیجه عقل الهی، وحدت است**

عقل در معنای اولی، عقل الهی و برآمده از عالم وحدت است که میل به یاد و باقی دارد. عقل در معنای آخری، عقل مادی و طبیعی که برآمده از عالم کثرت بوده و میل به امور دنی و فانی دارد و بین این دو عقل باید تفاوت قائل شد. عقل در نظام هستی تعیین میزان و تشخیص حدود می‌کند. عقل دارای دو هویت است، ۱) عقلی که مؤدب بوده و با ایجاد و تعیین حدود موجب نظم در عالم هستی است؛ ۲) عقلی که بی‌ادب بوده به ایجاد حدود به نفع خود و برای خود، که موجب آشوب و آشفتگی اجزای هستی می‌شود. عقل در معنای اول در برابر «لو» زانو می‌زند و عقل در معنای آخری در برابر نفس «من» به استخادم گرفته می‌شود. عقل اول به فقر ذاتی خود اقرار داشته و خود را ذره‌ای در اجزای هستی در مسیر رسیدن به «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بَکَلْ شَیْءٍ عَلِیم» تعریف می‌کند و عقل دیگر به داشته‌های عاریتی خود نازیده و به استقلال ذاتی‌اش در عالم می‌نگرد و روی از فرمان حضرتش می‌کشد و در کبر و خودخواهی محو می‌شود. اولین موجودی که دم از دودیت در هستی وجود زد، ایلیس بود. موجودی که با عقل بلاادب به قیاس بین داشته‌های خود و به‌اصطلاح نداشتن‌های انسان پرداخت و در نهایت در انابتش محو شد و نتیجه‌این بی‌ادبی جز کبر و غرور در برابر خالق هستی نبوده است.

انسان مزموجی از معنا و ماده با هم است. انسان‌ها در بین کوثر معنا و تکاثر ماده در تلاطم و رفت و آمد هستند و عقل که امانت الهی است یا به این رو می‌کند یا به آن. عقلی که به معنا رو کند به «أَنْتَ اعْلَمُتَ بَأَنَّکَ الْکَوْنُ» نایل می‌شود و اگر میل به سآده پیدا نماید به آهِنُکُمْ التَّکَاثُرُ می‌رسد. عقلی که در دیگری محو و همضم شود، عاشق است و عقلی که در خود فرورد،

بوی کبر و منیت و... قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ... می‌گیرد.

■ **وحدت، هویت ذاتی اجزای هستی**

عالم فیزیک و کالبدی هستی که در سه هویت، انمی، مولکولی و سلولی در سه سطح فیزیکی، شیمیایی و زیستی قابل تشخیص و تمیز می‌باشند بر پایه اصل حرکت و تغییر، هویتی عَرَضی به نام کثرت دارند، اما هویت ذاتی این اجزای هستی بر وحدت و انسجام بنا نهاده شده است. عقل انسانی به تشخیص این اجزا پرداخته و با بهره‌گیری از علوم واسطی چون هندسه و اعداد به تشخیص نظم بین اجزای هستی و نیز دخل و تصرف و دادن نظمی نوین بین آنها اقدام می‌کند. عقل در یک پروسه تفکری با بهره‌گیری از ابزار حسی اقدام به تشکیل گزاره‌هایی در عرصه منطق برای شناخت پدیده‌ها مادی می‌کند. گاه به صورت تفکیکی و گاه به صورت ترکیبی به توصیف، تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها اقدام می‌کند. در نگاه تلفیقی به نحوی که در مباحث امسروز و در مرز دانش مطرح می‌باشند، به ترکیب این پدیده‌ها، به شیوهای انطباقی و در هم تنیده‌مانند ترکیب قواعد حاکم بر فیزیک و زیست

د

اکثون از دل مفاهیم دینی و مستند به سنت، نمادی دیگر در تشیع زایش یافته است که هدفش حرکت به سوی وحدت از کثرت است



با یکدیگر با زیست، فیزیک و شیمی با هم دست زده و به قواعد جدیدی برای نظم‌بخشی نوین بین اجزای هستی می‌رسد که نتایج آن را می‌توان در علوم و فناوری‌های مختلف مشاهده کرد.

انسان‌ها با عقل خویش در تعامل با طبیعت چنین هویتی می‌یابند، حال باید دید در رابطه با هم‌نوعان چگونه عمل خواهند کرد. انسان‌ها از یک امت واحده خلق شده‌اند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا بَرْدَاخِثَةً وَبَاهِرَةً يُغْرِبُ أَسْفُلِيَّةً وَبَرْدَاخِثَةً وَ بَرْدَاخِثَةً مِمَّنْ تُبَدِّلُ مَوَاقِعَ الْمَوْتَ وَتَلْفِكُ بِهِ السُّيُوفُ أَسْفُلًا وَتَلْفِكُ بِهِ السُّيُوفُ أَسْفُلًا مِمَّنْ تَقْتُلُونَ وَاتَّقُوا اللَّهَ عَسَىٰ أَنْ تُرْحَمُوا»

■ **علت ایجاد کثرت در مفهوم امت واحده**

انسان بر اساس آنچه به صورت عرضی و تبعی الحاق می‌شود، تعریف جدیدی به خود می‌دهد. آن چیزها شاید به عبارتی برآمده از مادیت و هویت تکثری که بر این عالم کالبدی بنا نهاده شده است، باشد. چیزهایی از جنس رنگ، زبان، خون، ژن، خانواده، قوم، نژاد، مکان، مرز، اعتبار، جایگاه، ثروت و... که نشان از جدایی و تعیین رابطه بین «من» با دیگری یا دیگران دارد. وجهی با وجود تمیزه انسان با انسانی دیگر این‌گونه تعریف می‌شود. کثرت و رابطه‌ای عَرَضی که در آن داشته‌های مادی موجب تشخیص فرد با افراد دیگر می‌شود، اما آیا این داشته‌ها که به قول حضرت حق «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُرُوبًا وَقَائِلًا لِّعَارِفُو...» برای شناخت و تمیز بین افراد مطرح شده است، مبنایی بر برتری و اشرافیت یکی بر دیگری محسوب می‌شود؟ به راستی که خیر! و اشرافیت و برتری و کرامت انسان‌ها به میزان تقوای آنها بستگی دارد و لاغیر. تقوای الهی به میزان عدو و ایستگی به امور متکثر و پرهیز از امور تفرقه‌انگیز و دورکننده از وحدت می‌باشد و هر نیت و فعلی که

اندیشه

پیاده‌روی اربعین، نماد به هم‌پیوستگی عشق و عقل در مکتب شیعه

پورزند، به آنها تعامل کنند، با آنها حرف بزنند، به آنها سلام کنند و از آنها ان‌شاءالله جواب بشنوند؛ چه کسی دیگر وجود دارد؟! این است که این یک فرصتی است در اختیار پیروان اهل‌بیت؛ این زیارت‌نامه (علیهم‌السلام)، این معاشقه معنوی با این بزرگواران، این زیارت‌های سرشار از مفاهیم عالی و ممتاز که در اختیار ماست.

رهبر معظم انقلاب در ابتدای درس خارج فقه ۹۴/۹/۹



کل نظام هستی، به دنبال جذب اجزا و ذوب آنها در حقیقت واحد می‌باشند. آن یکتایی که در اسمای ذاتی احد و در مرتبه اسمای فعلی واحد است. آن گاه که نور واحد از صادر اول نور محمد(ص) و آل طاهرش می‌باشند و در مقام فعلیت و... «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» و حتی فرامنطقه‌ای به دلیل سعه وجودی و حتی نهایت‌مقام امام حسین (ع) و عاشورا، چند سالی است با عنوان «پیاده‌روی زائران اربعین حسینی» مر سوم شده و با نگاه به مطالب فوق باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

■ **اربعین نمادی نوین در وحدت امت**

اگر تا پیش از این تجلی وحدت امت واحده در مناسکی چون نماز جمعه، حج و... قابل مشاهده بود اکنون از دل مفاهیم دینی و مستند به سنت، نمادی دیگر در تشیع زایش یافته است که باز هم هدفش حرکت به سوی وحدت از

کثرت است.

یکی از نمایندگان الهی که در نظام هستی و منظومه دین اسلام نقش خون خدا را ایفا کرده است، امام حسین (ع) می‌باشد. امامی که برای احیای دین و جلوگیری از تنیده شدن منکر با معروف و جاه‌جاشدن آنها با یکدیگر، قیامی کرده که موجب دوام و قوام حقیقت تا ابد شده است. امامی که با حضرت دوست معامله‌ای تا بی‌نهایت از داشته‌های به ودیعه گذاشته و بازگرداندن آن به اهلیش خبر می‌دهد که إِنْ أَلَلَّ يَأْمُرْكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا... حضرت حسین(ع) در منظومه دین در مقام عشق، به بازگرداندن همه آنچه که خدا به او داده است، قرار می‌گیرد و در دادن آنچه از دوست به امانت گرفته است، جز زیبایی نمی‌بیند. او همه داشته‌های خود را به یک امر واحد به نام خدا و دین خدا می‌بخشد. اوج عشق‌بازی امام حسین(ع) چنان می‌نماید که عشق در فدا کردن همه چیز برای معشوق نمود واقعی به خود می‌گیرد. ذوب شدن در حضرت دوست و ندیدن هیچ از خود و داشته‌های خود در مقام امام مظلوم و عطشان را می‌توان در واقعه عاشورا یافت. مقامی که عاشق و معشوق در نظام هستی جمع شدند و معشوق برای زیارت عاشق به زمین نزول کرده و عاشق هر آنچه داشت به آسمان می‌فرستد. عاشورا نقطه تلاقی عشق، عاشق و معشوق با هم در یک مکان و یک زمان می‌باشد. معنایی از عشق پدیدار می‌شود که نور و حرارت آن هیچ گاه به تاریکی و سردی نخواهد گرایید. حرارتی از عشق که نه زمان و نه



برآمده از رابطه عرضی این عالم باشد، نشان از مرود شدن دارد و آن نیت و فعلی که برآمده از رابطه متعالی و طولی باشد، نشان از تأیید و قبولی حضرت حق دارد. حال چه می‌شود انسان را که به تفاخر داشته‌های متکثر از قبیل قوم و عشیره، مال و منال، کثرت اولاد، زن زبیا و کثرت شهوت، جاه و جلال، زیبایی صورت و صوت و... خود پرداخته و از داشته‌های معنایی به دور بوده و خود را در ذیل نگاه وحدت‌افرین حضرت دوست تعریف نمی‌کند که در نزد حق باریتعالی... إِنْ أَكْرَمْكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَرُّكُمْ...!

اسلام دینی است که دعوت به وحدت، کوثر و توجه به داشته‌های معنایی همچون تقوای الهی دارد. دین اسلام که جمع بین آیات و روایات می‌باشد انسان‌ها را با سه رویکرد اخلاقی، عقلمانی و کلامی (مؤدب) و احکام عملی دعوت به وحدت می‌کند. عارف‌الله در تمام وجوه متکثر هستی به دنبال گمشده خود و یافتن نقطه ثقل وحدت‌اعم از آیات آفاقی و آیات انفسی است، مبدأ حرکت عارف‌بالله از خود تارسیدن به خدا می‌باشد. در سوی دیگر و در رویکرد کلامی و عقلانی که متصف به صفت «آداب» شده باشد، عاقل در میان تغییر و حرکت به دنبال نظم حاکم بین اجزای هستی می‌باشد و ماده خام قیاس را از عالم معنا شکار کرده و نتیجه حاصل از این قیاس رسیدن به قاعده القواعد، معادلات طولی و درک صحیح روابط حاکم بین اجزای هستی با نگاه حکمت‌محور و نهایت در شق سیر عقلانی رسیدن به مبدأ هستی خواهد بود. در شق سوم، دین اسلام به رفتار انسان نظر داشته و با هویت فقهی به تعیین میزان رفتارها و کنش‌های انسان در این عالم توجه نموده و با تعیین حدود شرعی به آنها جهت الهی می‌دهد. هویت وحدت‌بخش طریقت در اخلاقی، حقیقت در کلام و شریعت در احکام، در وجود دو ثقل کبیر و اکبر یعنی قرآن کریم و اهل بیت (ع)، نمایان شده است. اینجا جمع و اتحاد بین عرفان، برهان و قرآن و علم، عقل و معلوم با هم است.

■ **دین، هویت وحدت‌بخش**

دین اعم از خدا، کتاب‌الله که جمع‌الجمع طریقت، شریعت و حقیقت می‌باشد و حاملان و ابلاغ‌کنندگان کلامی و عملی وحی و مفسرین واقعی کلام‌الله، یعنی انمه معصومین(ع)، عامل وحدت‌بخش اجزای عوالم هستی می‌باشند. وحدتی که در اجزای انسانی می‌توان وجود آن را درک کرد یا در اجزای دیگر هستی به غیر از انسان‌ها اعم از سطوح و لایه‌های دیگر کون و مکان باشد که علم و فقه انسانی به دلیل عدم مجهز شدن به علوم معنایی، فعلاً قادر به درک آنها نیست و راهی برای شناخت تهلیل، تکبیر، تقدیس، تحمید و تسبیح ندارد، موضعی است که باید به فراخور زمان و حدود معرفتی بدان پرداخته شود.

عامل اصلی وحدت‌بخش انسان‌ها دینس به معنای خاص آن دین اسلام می‌باشد و توحید نقطه ثقل

د

اگر تا پیش از این تجلی وحدت امت واحده در مناسکی چون نماز جمعه، حج و... قابل مشاهده بود اکنون از دل مفاهیم دینی و مستند به سنت، نمادی دیگر در تشیع زایش یافته است که باز هم هدفش حرکت به سوی وحدت از کثرت است

داشتیم! تأکید کند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پاسخ کاملاً معلوم و محسوس و واضح و میرهن است. راهبرد غرب بر «اختلاف انداز و حکومت کن» استوار است. آسیای غربی که محل نزول وحی و برانگیخته شدن نمایندگان حضرت حق بوده است، نباید رنگ اتحاد و وحدت را به خود گیرد. این منطقه باید در ضریان و کوبه دائمی برای بمپاز انرژی در رنگ‌های سیستم بین‌الملل به سر برد. این منطقه به عنوان قلب زمین نباید آرام گیرد. بدین منظور شیطان بزرگ و اعواش هر چه می‌توانند به امور اختلاف‌برانگیز بین افراد این منطقه توجه کرده و به آتش اختلاف بین اجزای سیستمی منطقه غرب آسیا دمیده و دامن می‌زنند.

وحدت تنها راهبرد مقابله با شیطان بزرگ در عصر حاضر است. عوامل اختلاف‌برانگیز باید به گوشه‌ای رفته و وجوه مشترک بین اجزا برای رسیدن به وحدت و انسجام درونی به علوم معنایی، فعلاً قادر به درک آنها نیست و راهی برای شناخت تهلیل، تکبیر، تقدیس، تحمید و تسبیح درونی منسجم، متحد و معتمد هیچ فشار بیرونی فرو نمی‌باشد. وجوه مشترکی که بین کشورهای منطقه می‌تواند عامل وحدت و انسجام‌بخشی شود همان‌هایی است که در بالا

مکان را برای تحمل آن نیست که ... إِنْ لَقُلْتُ الْعَشِيقَ حُرّاً فَيُفِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ تَبْرُدَ أَبَدًا.

خونی که در این روز بر زمین ریخته می‌شود و ماهیت آن تا تارالله مقام می‌یابد. همان خونی که حضرت حق با مؤمنین معامله می‌کند إِنْ أَلَلَّ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ... و در آرای آن نویده‌های دهد. چه می‌شود در سر طیف خون را که در اوج هوس، شهوت، قدرت و ثروت جریان خون در رنگ‌های انسان مبتلا، میل به افزایش یافته و همین خون وقتی در سیر باری رساندن به دین حق قرار می‌گیرد و ریخته می‌شود، معنایی به بلندی کل هستی می‌یابد.

اربعین حسینی نشان از کثرت تکوین در وحدت تشریع دارد. انسان‌ها همچون ططراتی سرگردان و سیل آسا به سوی دریا و میعادگاه عشق رهسپارند. جریان شکل می‌گیرد که همه عوامل ممیز در نگاه مادی و خردخوبنیاد عقلانی، همضم در وادی اشتراکات دینی و عشق به نماینده‌ای از نمایندگان ثقل کبیر می‌شود. انسان‌های مشتاق سر از پا نشناخته و خود را بی‌اختیار در مسیر این سیل قرار می‌دهند تا جمع، هم‌راه به سوی میعاد رهنمون شود. فردیت انسان در این جمع معنا ندارد. مسیر، جهت و هدف در نیست و عمل زائران فقط حسین(ع) است. موب‌ک‌ها در مسیر شکل می‌گیرند که با سازمان یافته‌اند از خودانگیخته که نشان از عشق به این راه و راهبان آن دارد. این وحدت راهبرد شیطان و ابیادیش را ناکارآمد و نقشه‌اش را نقشه بر آب می‌کند و مسلمانان جهان اسلام با رجوع به این نوع مراسم و مناسک، می‌توانند پوزه شیطان عصر را به خاک مالند. در این راه نقش آحاد جامعه اسلامی و نیز دولت‌ها و زمامداران آنها باید تعریف شود که هر چه منظم تر و باشکوه‌تر این مراسم صورت پذیرد به نحوی که نگاه کل عالم به سمت و سوی این مراسم باشد.

■ **مدرس دانشگاه و عضو شبکه پژوهشگران و محققان علوم انسانی**